



نوروز  
می‌رسد  
در صفحه ۴

# اتحاد بزرگ

تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من، اینست که صنعت نفت ایران را ملی کردم و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراطوری جهان از این مملکت برچیدم

دکتر محمد مصدق

شماره ۵۸ سه شنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۵۸ شماره ۱۰ ریال

طبق قانون اساسی: «امور کشور باید به انکاء آراء عمومی اداره شود»

## سرنوشت آینده ایران با چنین

## مجلسی که می‌سازید چه خواهد بود؟

تکاهی گذرا به کارنامه‌ی وزارت کشور در زمان تصدی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی این واقعیت را آشکار می‌کند که وزارت کشور در عمل دستگاه انتخاباتی واداری خود را برای پیروزی حزب جمهوری اسلامی دستیارانش در انتخابات مجلس شورای ملی، از چند ماه پیش آماده ساخته بود و طرح‌های ایشان در واپسین روز‌های یکی دیگر از عضوهای شورای انقلاب که ریاست کمیته مرکزی را نیز برعهده دارد، داده شد ولی بدنبال تقویض منصب و هفت ساله‌ی ریاست و بخشدار و زمینه سازی برای گسترده‌ی قبلی، به فرض اینکه اینگاه منوی کتبی می‌خواست قسمی در

تکاهی گذرا به کارنامه‌ی وزارت کشور در زمان تصدی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی این واقعیت را آشکار می‌کند که وزارت کشور در عمل دستگاه انتخاباتی واداری خود را برای پیروزی حزب جمهوری اسلامی دستیارانش در انتخابات مجلس شورای ملی، از چند ماه پیش آماده ساخته بود و طرح‌های ایشان در واپسین روز‌های یکی دیگر از عضوهای شورای انقلاب که ریاست کمیته مرکزی را نیز برعهده دارد، داده شد ولی بدنبال تقویض منصب و هفت ساله‌ی ریاست و بخشدار و زمینه سازی برای گسترده‌ی قبلی، به فرض اینکه اینگاه منوی کتبی می‌خواست قسمی در

تکاهی گذرا به کارنامه‌ی وزارت کشور در زمان تصدی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی این واقعیت را آشکار می‌کند که وزارت کشور در عمل دستگاه انتخاباتی واداری خود را برای پیروزی حزب جمهوری اسلامی دستیارانش در انتخابات مجلس شورای ملی، از چند ماه پیش آماده ساخته بود و طرح‌های ایشان در واپسین روز‌های یکی دیگر از عضوهای شورای انقلاب که ریاست کمیته مرکزی را نیز برعهده دارد، داده شد ولی بدنبال تقویض منصب و هفت ساله‌ی ریاست و بخشدار و زمینه سازی برای گسترده‌ی قبلی، به فرض اینکه اینگاه منوی کتبی می‌خواست قسمی در

## فاجعه‌ای که بر نظام قضایی رفته است.

در دادگستری ایران حوادث بهت انگیزی می‌گذرد، جزئیات این حوادث را در روزنامه‌های خبری همه خوانده‌اند و همه غیرشده‌اند که فاجعه آزرترین ضربها بر دادگستری ایران وارد شده، همه خبر شده‌اند که حیثیت و حرمت و مصونیت دادوران و دادرسی به هیچ گروه شدت است، همه خبر شده‌اند که توانایی دادگستری آشکارا از وی باز ستائیده می‌شود، همه خبر شده‌اند که دادگستری نه همان که توانایی اجرای عدالت را ندارد

بلکه خود گرفتار بدترین ستم گردیده، همه خبر شده‌اند که دادگستری و دادرسان از هر سو به هر وسیله و هر طریق زیر دندناکترین ضربه‌ها گرفتار آمده، در یک کلمه همه خبر شده‌اند که دادگستری ایران به فاجعه‌ی عظیم دچار شده است فاجعه‌ای که بر دادگستری ایران رفته است، بی‌گفتگو در همه تاریخ بشر کم نظیر است، این فاجعه همه جانبه و عمیق و هستی سوز است این فاجعه همه جای دادگستری و همه چیز دادگستری را در

## ۲۹ اسفند، روز ملی شدن نفت، گرامی باد



با آنکه فشرده‌ای از رویدادها و حادثه‌های تاریخی دوران نهضت ملی هرگز بیاتر، همه‌ی شکوه‌های عظمت این پیکار دیرینه ملت ایران نخواهد بود ولی بدلیل مجال اندک و چارچوب محدود روزنامه‌های جاری یادآوری بخشی از ماجرا نیست. آنچه به‌عنوان تحلیلی گذرا از گوشش و تلاش مردم ایران در جهت

## حادثه زشت انفجار در بامداد

انفجار در روزنامه بامداد، بی‌اختیار انسان را به یاد کمیته‌ی انتقام زیرزمینی «ابداعی ساواک شاه مغلول» می‌اندازد، با این تفاوت که در نظام گذشته این عملیات قبرمانانه! شب هنگام انجام می‌گرفت و آقایان انسانی‌تر! رفتار کرده‌اند و صبح زود روز تعطیل آنهم روز رای گیری مجلس شورای ملی را برگزیده‌اند تا هم درس عبرتی باشد برای کسانی که خیالهای خام در سر می‌پرورند و هم ناز شخصی باشد برای قلم‌زن‌هایی که گمان میکنند جز در کف حمایت سازمان مستضعفان میتوان به زندگی مطبوعاتی ادامه داد!

این روزها جانان حوادث زشت و جنش آوری در مبین ما میگذرد که باید واقعا در حال انسوس خوردن و انگشت حسرت گزینن

## ۱۴ فروردین، روز بازگشت به مدرسه

طومار هر نظام ضد انقلابی سرانجام در هم خواهد پیچید

برآنکه این عمل را بعد از ساعات درس انجام بدهند... تا شاید سرانجام آنچه نباید بشود، بشود و فاجعه‌ی دردناک و تم‌انگیز پدید آید.

## فرار مغزها

چونان کشور های در حال رشد با به تعبیری کشور های عقب نگه‌داشته‌شده که برای ادامه تحصیل راهی کشور های قدرتمند و صنعتی می‌شوند، پس از اتمام تحصیل به علت نیروی جلب و جذبی که کشورهای سرمایه‌دار از پیش برای بدام انداختن این افراد پدید آورده‌اند، در همان سرزمین باقی می‌مانند و در نتیجه این کشور ها، بدون سرمایه گذاری، از مغز های متفکر و تجربه های علمی و عملی اینگونه افراد، که تعدادشان کم نیست، در امور مختلف جامعه‌ی خود بهره‌برداری می‌کنند

در حالیکه این مغز های متفکر و این عناصر تولیدی که در واقع سرمایه‌های کشور خود به حساب می‌آیند، باید در پیبود وضع کشور و به زیستی افراد جامعه‌ی خویش کوشش نمایند، به‌استثمار کسین نیروی انسانی بدین طریق در فرار مغز ها گویند

می توان گفت که از سال ۱۹۵۰ بازار کار متخصصان رشته های مختلف در کشور های در حال توسعه دچار رکود شده‌است. مهندسان و پزشکان و کارشناسان رشته های مختلف روز به روز به کشور های

## نگاهی گذرا به چگونگی برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی در تهران

هنوز لحظاتی از شروع انتخابات تهران نگذشته بود که به دلیل وجود تخلف‌های آشکار و بسیار زنده‌ی بیشتر ناظران انتخابات و مسئولان و دست اندرکاران این امر بزرگ ملی، موج اعتراض بالاگرفت. آنها که برغم حضور نیروهای فشار، مأموران گوش به فرمانی که تلاش جوان‌ها را برای چسباندن پوستر و ورقه‌های تبلیغاتی، جلوی دیدگان مردم به مسخره می‌گرفتند و با پاره کردن آنها، چهره‌ی معصوم آزادی را می‌دریدند، به پای صندوق رای آمده بودند. از همان پانزدهی در حوزی اخذ رای نتیجه را حسس زدند.

در حوزی حسینییه اشراف یکی از بلندپایگان پرمغای حکومت که نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی از یکی از شهرهای نزدیک تهران بود و نیز عضو حزب جمهوری اسلامی، هفت تیر به کمر، به سبک تگزاس‌ها به حوزی آمد و هنگامی که یکی از رای دهندگان فرصت واختمیت دانست تا بپروان طرح بسیار سنجیده‌ی ایشان گفتگو کند از برق اسلحه کمک گرفت و همین ناشی‌گری کار را به اعتراض شدید مردم کشانید.

چند، فاجعه را در بوق و کرنا گذاشت و همه را متوجه کرد. در میدان فردوسی حدود ساعت ۱۲ در حالیکه جمعیتی در حدود سیصد تن صف کشیده و رای خود را به صندوق می‌ریختند جلوی چشم مردم صندوق رای دزدیده شد، آنهم توسط افراد مسلح اجرا که رای دهندگان از ظاهرشان پیدای بود به

چند، فاجعه را در بوق و کرنا گذاشت و همه را متوجه کرد. در میدان فردوسی حدود ساعت ۱۲ در حالیکه جمعیتی در حدود سیصد تن صف کشیده و رای خود را به صندوق می‌ریختند جلوی چشم مردم صندوق رای دزدیده شد، آنهم توسط افراد مسلح اجرا که رای دهندگان از ظاهرشان پیدای بود به

چند، فاجعه را در بوق و کرنا گذاشت و همه را متوجه کرد. در میدان فردوسی حدود ساعت ۱۲ در حالیکه جمعیتی در حدود سیصد تن صف کشیده و رای خود را به صندوق می‌ریختند جلوی چشم مردم صندوق رای دزدیده شد، آنهم توسط افراد مسلح اجرا که رای دهندگان از ظاهرشان پیدای بود به

**چاپ تمبر یادبود صدمین سالگرد زاد روز مصدق بزرگ**

وزارت پست و تلگراف و تلفن به‌مناسبت یکصدمین سالگرد زاد روز دکتر محمد مصدق پیشوای بزرگ نهضت ملی ایران و قهرمان مبارزه با استعمار، یکسری تمبر یادبود در یک قطعه به ارزش ۲۰ ریال چاپ کرده‌است که از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۸ در باجه‌های سراسر کشور در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. این تمبر از تاریخ انتشار تا مدت شش ماه به فروش می‌رسد و اعتبار پستی آن نامحدود است.

در مسجد دارالسلام حوزی ۹۹۶ خیابان ابوسعید کسانی که از سوی حوزی مأموریت کمک به همشهریان بیسواد را داشته لیست اتلاف بزرگ را دوی میز گذاشته و بی‌بروا ورقه‌های مردم را بر می‌گردند و آنچه به جایی نمی‌رسد، صدای اعتراض اشخاصی بود که سواد داشتند ولی سرانجام کار بالا گرفت و دیگری پیش آمد و دخالت پلیس و دستگیری تنی

### فاجعه که بر نظام

بقیه از صفحه اول  
به عبارت بهتر، ضربه هائی که پس از دادگستری وارد کرده اند همه چیز دادگستری را سوزانیده است و می سوزد. شاخ و برگ و ریشه و تنه و اساسی و فروغ دادگستری را به آتش کشیده اند.

نه همان که نظام سازمانی و اداری و اخلاقی و حرمت اجتماعی دادگستری و دادرسان را منهدم ساخته و روحیه و شوق و اعتماد و عزت اجراء کنندگان عدالت را از آنان گرفته اند، که معنی بزرگ و ظلمی گسترده برایشان روا داشته اند. اینک با عبارات گوناگون ستمی را که بر دادگستری رفته است بیان می کنم از آن جهت است که عظمت حوادثی که رخ داده و عمق فاجعه ای که بر دادگستری رفته به

### قضیه تنها بازداشت چند قاضی و سلب حیثیت و حرمت آنان نیست قضیه متزلزل ساختن یکی از ارکان سه گانه کشور است.

چشمه بیاید و در ذهنها به نشیند. قضیه تنها بازداشت چند قاضی و سلب حیثیت و حرمت آنان نیست قضیه متزلزل ساختن یکی از ارکان سه گانه کشور است، قضیه این نیست که دیگر برای اجرای عدالت و دادخواهی نباید به دادگستری رفت قضیه این است که مأموران اجرای عدالت خود به ظلم گرفتار آمده اند و باید برای نجات آنان از ستم به یاریشان برویم.

### ۲۹ اسفند روز ملی شدن

بقیه از صفحه اول  
را دگرگون کرد، که آغازگر راه همه پویندگان استقلال و آزادی و مبارزات ملت های ستمدیده جهان بود تا به آفرینندگی تاریخ و جامعه ای خود برخیزند و نگاه ساز قدرت های ملی در سراسر گیتی شوند. مصدق به جهان آموخت که نیروی ارادگی ملت ها از چنان قاطعیت و وحدانیت انکار ناپذیری برخوردار است که نظام های استعمارگران را در اندک مدت قادر است در هم بکوبد و به افسانه ای شکست ناپذیری امپریالیست ها که تکیه بر پول و آهن و آتش و مرگ دارند پایان بخشد.

نزدیک به نیمه شب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ مبارزات نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق پس از یک سال و نیم پیگیری، تهریفش شد و به نام سعادت ملت ایران «به منظور کمک به تامین صلح جهانی» اصل مجلسی کردن صنعت نفت در سراسر ایران به تصویب نهایی رسید و از آن پس این نوزد به گونه یکی از درخشان ترین روزهای پیروزی ملت ایران، در تاریخ به یادگار مانده است.

### هنگامی که پیشوای مردم به پسا

خاسته ای ایران به چنین عمل قهرمانانه ای اقدام کرد، نزدیک سه چهارم مردم جهان در زیر یوغ استعمار بودند. بسیاری از کشورهای زیر سلطه جرات مبارزه نداشتند و آنها که مبارزه را آغاز کرده بودند، در ورطه شکست و ناامیدی روزگار میگرفتند. بعضی عمده ای از مردم جهان پیوسته سیاستگران آنان، امپراتوری بریتانیایی کبیر، یعنی بزرگترین غول استعمار جهان را شکست ناپذیر میپنداشتند. و پنج در پنجه ای آن در انگلن را بگردانده نمی دانستند!

ولی پیشوای نهضت ملی ایران که بر اراده ملت و خواست های تاریخی و انسانی ایرانیان اعتقاد عمیق داشت و در شناخت سیاستهای جهانی بارها و بارها دایمت نشان داده بود، با استفاده از تضادهای ناشی از برخورد و تصادم های ابرقدرتها، در فرماندهی نبرد قهر آمیز و آشتی ناپذیر مردم کوچکترین درنگی از خود بروز نداد و با شهامت و بردباری و مقاومت و پیگیری، جنبش ملی کردن صنعت نفت را تا آنقدر پایداری کرد تا به پیروزی رسانید.

### آگهی حصر وراثت

آقای دکتر حسینقلی کاتبی وکیل دادگستری و محضر سانسیف تبریزی کارآفرین وکالت بشرح دادخواست کلاسه ۱۴۴۹ر۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان سید حسین رشگیر بشناسنامه ۶۷ در تاریخ ۵۸۲۰۱۰۰ در گذشته ورثه وی عبارتست از خانم شاکیر بشناسنامه ۲۱۹۹۲ مادر متوفی لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه مجلسی آگهی میشود تا

مطالب ۲۳۸۱۶ ۳-۱

روشن کننده ای بیان نمی دارند. ایشان اعلام داشتند که دادرسان زندانی شده اند می شوند و طاعرا فرار شده است اما فرماندهان هم عذرخواهی بکنند و تریبی داده شده است که مردم سپهر هم به استقبال بیایند. از مجموع این تدابیر نه برای «رفع اهانت» احد شده چنین بر می آید که طاعرا دادرسان بازداشت شده در جریان ماجرای تصور و تصیری ندانسته اند. صرف نظر از انار تنظیم اجتماعی و روانی قضیه و صرف نظر از ضربه جانکدازی نه بر هستی عدالت و دادرسی رفته است. حداقل قضیه این است که چند نفر بی گناه به طور غیر قانونی بازداشت شده اند. جواب بازداشت غیر قانونی عذر خواهی و استقبال نیست، بازداشت غیر قانونی جرم است و هر کس مرتکب جرم شود می باید برابر قانون به مجازاتی در خود برسد. مجازات بازداشت غیر قانونی در مجموعه قوانین مصرح است و اگر بازداشت دادرسان غیر قانونی بوده میباید مجازات موضوعه قانونی در مورد خاطیان و متخلفین اجراء شود و اگر بازداشت دادرسان غیر قانونی نمی دانید تدابیر برای «دلجویی» از مقام نفاذ این اعلام بفرمائید که قاضی دیگر از مصونیت قضایی بهره مند نیست و صریحا اعلام بفرمائید که قاضی دیگر از مصونیت قضایی برخوردار نیست و صریحا اعلام بفرمائید که فرماندار حق بازداشت افراد را دارد.

استخوان لای زخم گداختن و سرورته فضای را هم آلودن، آب به آسیاب ستم کاران ریختن است. مقام ریاست جمهوری از اینکه شخصی به محل تشریف برده ناموجود باشد و از اینکه شخصی به فاجعه

استخوان لای زخم گداختن و سرورته فضای را هم آلودن، آب به آسیاب ستم کاران ریختن است. مقام ریاست جمهوری از اینکه شخصی به محل تشریف برده ناموجود باشد و از اینکه شخصی به فاجعه

### نگاهی گذرا به

بقیه از صفحه اول  
فرمانداری هم با حضور خود این تقلب را صحنه می گذاشت.

در حوزه ۵۸۶، مسجد امام حسین، میدان امام حسین، ناظران انتخابات و رئیس حوزه به لیست نامزدهای حزب جمهوری اسلامی، نام مهندس بازرگان را هم افزوده بودند و برای ایشان هم تبلیغ می کردند، کاملا آشکار و بی رودری با یستی! گویا نام مهندس بازرگان برای دخالت در امر انتخابات جواز به حساب می آمد!

حوزه های ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸ و ۹۶۹ را باید قهرمان تقلب و خلافکاری در امر انتخابات شناخت و بابت آن به آقای هرندی متصدی آن ها که با کمال تأسف جامعه مقدس روحانیت نیز برتن داد، جایزه داد! اعتراض در این حوزه ها با نفس و ناسزا و اهانت و تهمت و سرانجام نیش جاقوی کردن کلفت های حرفه ای درو بود!

### سر نوشت آینده ایران

بقیه از صفحه اول  
بدیسی بود که دشمنان ایران در خط وایستگیهای خود را از چپ و راست بسا طرح مسائل انحرافی چون «ترمیم قرارداد»، «عدم شایستگی ایرانیان در ادا ای امور نفت»، «ملی کردن نفت جنوب» و سیا حادته آفرینهای گوناگون، تلاش میکردند تا به این نبرد درخشان و صدر صد ایرانی خشن وارد سازند. ولی مصدق که بر تارک امواج خروشان و قهر آمیز جامعه ای ملی سکان گرفته و کشتی میراند، از هیاهو و ریسسه ها نهراسید و سند ننگ اسارت یکصنوع پنجاه ساله ای ملت ایران را پاره کرد و عقده ای حقارت دراز مدت سیاسی را از فرهنگ مبارزاتی ایرانیان زدود و دستهای اسیر جیبان را رهنمود داد

### که اگر ملت بخواهد بهتر کاری تواناست.

گرامی باد خاطره ای آن سردار بزرگ. چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سبکی که بعد از این موعده ابراز شود از برجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران  
عباتی  
مطالب ۲۳۸۱۶ ۳-۱

رسیدگی فرموده اند موجب حرمتمندی و سپاسگزاری است و احترام فراوان خود را به لحاظ این توجه و عنایت به ایشان تقدیم می داریم. ولی یک سوال بزرگ و اساسی در ذهن ما برانگیخته شده است. سوال این است مگر مقام ریاست جمهوری مأمور به تحقیق و کشف جرایم است که طاعرا چنین نیست و طاعرا دستگاه قضائی مأمور رسیدگی به جرایم و شناخت و مجازات مجرمین است، در اینصورت برای رسیدگی به جرمی که اتفاق افتاده یعنی بازداشت غیر قانونی اشخاص، می باید مأموران از دادگستری همراه ۱۸ ریاست جمهوری می بودند و جریان قضائی و قانونی رسیدگی به حادنه را دنبال می کردند.

هر حادنه منشاء و سرآغاز یک شیوه عمل می تواند باشد، هر حادنه بدیع می تواند ایجاد کند. به حادنه حادنه تمام ریاست جمهوری در آن دخالت داشته باشد. عمل ریاست جمهوری و رفتار درست جمهوری در مورد یک حادنه می تواند در حادنه بدی و مشابه مود استفاده فراد گیرد. فصل ریاست جمهوری در محدوده این حادنه، تسو متوقف نمی ماند و در بسر زمان به رویه ای تبدیل می شود. و به احتمال زیاد از ناحیه بسیار کسان و بسیار مأموران دولت مورد تقلید و تبعیت قرار می گیرد. سایر در سادگی از موفد بزبان یا اتخاذ رویه یا آشتی داری از موفد ذات البین، یا اتخاذ ترتیبی که نه سیخ به سوزدو نه کباب، رفتار بسیار درست و پسندیده ای باشد. ولی فاجعه لنگرود از زمره این

در مسجد، عبا عبدالله الحسین حوزه ۳۶۴ و ۳۶۵، نماینده فرمانداری به سود حزب جمهوری اسلامی اعمال نفوذ می کرد. در میدان انقلاب، آغاز خیابان امیر آبان، خبرنگاران خارجی، انضاح انتخابات را به چشم می دیدند، فیلم می گرفتند، مصاحبه می کردند و با یوزخندی چندش آور کسانی را که برخلاف اصول و آئین اسلام و انقلاب اسلامی ملت ایران به تحقیق مردم می گویدند، دنبال می کردند.

در مسجد ملایری ها حوزه ۱۵۶۶ و ۱۵۶۷ کسانی را که به نامزدهایی جز نامزدهای حزب جمهوری اسلامی رای می دادند، بازداشت می کردند و این عمل قهرمانانه را پاسداران کمیته انجام میدادند!

در حوزه ۷۱۴ مسجد ولی عصر، تقاطع خیابان کارگر و جمهوری اعلامیه زرد رنگی با اعضای هیات مدیره مکتب ولی عصر در داخل حوزه و جلوی چشم آقای حکیمی نژاد، ناظر انتخابات پیش می شد و ایشان هم پیروز نمیدانند از سرمرد می خواستند که لیست مزبور رای دهند!

در مسجد رسول الله، نازی آباد اعضای کمیته لیست ائتلاف بزرگ را به مردم می دادند و از آنها می خواستند برای دوام اسلام و سلامت امام به آنها رای بدهند. در بیخ که ایمان و عشق مردم ایشان در ترازوی سود و سودای این ناکسان نهاده می شود!

در مسجد باب المرام، میدان امام حسین، ورقه های رای مردم بدست مصدیان اخذ رای پر می شد و شگفتا آنچه می نوشتند از سوئی و شناسایی و همکاری های برخی کار بدستان با یکدیگر شکل گرفت و هرگز یک حزب انحصارگر نمی تواند بخود اجازه دهد که فرصت های دیگران را بوسیله های نادرست و خلاف اخلاق و قانون برباید و هر کجا چهره ای مردمی و مبارز و دیر آشنا به میدان آمد با حیله هایی که تنها در خود «نظام آریامهری» است وی را از سر راه خود بردارد!

از مجلس یکدست و دستاخیزی فردا چه انتظاری برای ابتکار و طرح ریزی در دوران سازندگی انقلاب می توان داشت؟! آیا با حضور نمایندگان حزب ها و سازمان های سیاسی گوناگون در مجلس شورای ملی، موج نفق و چند دستگی در بیرون از مجلس که روز فزونی تر از روز پیش می گردد و خشونت و تشنج به بار می آورد، به کنترل کشیده نمی شد؟! و جایگاهی برای برخورد آرام اندیشه ها و دیدن نهایت تصمیم گیری هم آهنگ دروازه ای سود و سربلندی ایران پدید نمی آمد؟! آیا بهتر نبود آنچنانکه یکتا رهبر انقلاب می خواست، همه ی حزبها و شخصیت های مذهبی و سیاسی بیشتر به «حفظ وحدت» می اندیشیدند و در انتخابات «رفضای حق را بر رضای خود» مقدم می داشتند؟!

حوادث نیست. فاجعه لنگرود جای آشتی و گذشت ندارد. فاجعه لنگرود مربوط به اشخاص دیگر در ماجری نیست. فاجعه لنگرود یک حادنه عظیم مملکتی و تاریخی است. رفع کدورت از اشخاصی که در جریان قضیه بوده اند یا تذرخواهی و استیجاب و امثال اینها پاسخ مناسب به این حادنه تلقی نمی شود.

این حادنه، مستقل از جنبه های خصوصی آن، می باید مورد لحاظ رسیدگی قرار گیرد. بحث در رسیدگی چند نواز دادرسان نیست، بحث از ضربه ایست که بر نظام قضائی وارد آمده است می باید. بر طبق مقررات دقیق قانونی به این حادنه رسیدگی کرد. و می باید نشان داد که نظام قضائی در حصار قانونی محفوظ و غیر قابل حمله و غیر قابل خدشه است. هر طریق دیگری جز این در پیش گرفته شود، بی حرمت و بی قنوت کردن نظام قضائی است.

قضیه هیچ پیچیدگی و هیچ گره گزری ندارد و قضیه بسیار روشن است و باید به روشنی در برابر ان عکس العمل کرد. قضیه عبارت از بازداشت غیر قانونی است و باید طبق قانون مورد رسیدگی قرار گیرد و چون ستم در معامی فراد دارد که بیش از دیگران باید به رعایت قوانین متدبانه، پس جرم احتمالی از کیبای ستمنده بر و دوار است و باید رسیدگی سریع و فاعطاصورت گیرد دخالت مقام ریاست جمهوری نباید مانع اجرای قوانین باشد و اگر بازداشت فاجعه آسای لنگرود را غیر قانونی ندانیم،

همان لیست ائتلاف بزرگ بود و نامزدهای حزب جمهوری و دستیارانش، نه آنچه مردم می گفتند و می خواستند!

در حوزه ۳۷۷ نارمک لیست ائتلاف ستمه و مردم را هدایت می کرد که به بزرگ را به مردم لیست مورد تائید و فرائ رای نداشتند!

### حادثه زشت انفجار در

بقیه از صفحه اول  
بانییم!! دختر جوانی را که کایشن سربازی به تن و روسری بر سر داشتند از حوزه رای گیری بیرون انده بود جلوی چشم دهها رهگذر در خیابان نجات الهی (ولایی سابق) دو نفر مسلح با خشونت بسیار به داخل بنز سیاده رنگی می انداختند و اعتراض مردم را هم با کلمه «خرابکار است» پاسخ میدهند. آیا این عمل نیز شما را به یاد جوانیهای عزیزمان که جنگ مسلحانه را آغاز کردند و در کوچه و خیابان به نام خرابکار به جوخه ای اعدام سپرده شدند، نمی اندازد؟! زدی صندوق رای و چاقو زدن خانگی که به لیست ائتلاف بزرگ! رای

### آگهی حصر وراثت

آقای عبدالله خردی به شناسنامه ۵۷۰ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۸۲۵۰ این شعبه توضیح داده شادروان دسته گل کیانی بشناسنامه ۶۸۵۷ در تاریخ ۱۳۵۸۲۰۰ در گذشته ورثات حین الفوت آن مرحومه عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر همسر دائمی متوفی ۲- حسین خردی به شناسنامه ۱ صادره از تهران پس متوفی ۳- فاطمه خردی به شناسنامه ۹۳ صادره از تهران ۴- سدیقه مددی به شناسنامه ۲۲۵ صادره از ساوه فرزندان آن مرحومه ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی

مطالب ۲۳۸۱۶ ۳-۱

### جبهه ملی

پس چرا باید به استیجاب بازداشت زندگان رفت و چرا باید از ایشان عذرخواهی کرد. مطابق ظواهر قوانین و مقررات، بازداشت دادرسان قبل از سلب صلاحیت قضائی، مجاز نیست و فرماندار هم حق سلب صلاحیت از دادرسان را ندارد. بنابراین برحسب همه ظواهر و شواهد، بازداشت دادرسان لنگرود غیر قانونی بوده است و بازداشت غیر قانونی، به موجب قوانین جرم است و می باید مجازات شود. این در صورتی است که حادنه اتفاق افتاده شامل عناوین دیگر جزایی نباشد. و پس آشتی کردن و آشتی دادن دلجویی کردن می باید علاوه بر رسیدگی قضائی باشد. از مقام ریاست جمهوری هم طبعاً این انتظار می رود که شرایط و زمینه رسیدگی قضائی را تسهیل فرمایند ما در انتظار ایم که از چگونگی حادنه انکار عمومی را با خبر سازند و مبنای قانونی تصمیم های اتخاذ شده را برای اسازعه عمومی و برای ضبط در تاریخ اعلام فرمایند و نیز می خواهیم بدانیم که آیا شیوه عمل مقام ریاست جمهوری در این مورد در سایر موارد مشابه هم می تواند به عنوان رویه سابقه مورد عمل و تبعیت قرار گیرد یا خیر.

در حال این فاجعه عظیم را به نظام قضائی کشور تسلیت می گویم و با همه توانائی خود آماده ام که در زورن آواران مصیبت از چهره نام قضائی کشور ایشان را یاری کنیم.

در مسجد الهادی، تهران  
نزدای حزب جمهوری اسلامی  
مردم را هدایت می کرد که به فرائ رای نداشتند!

در حوزه مسجد موسی بن جعفر در جاده ساوه، پاسداران و بازرسها برای مردم رای می نوشتند و کسانی را که به این وضع اعتراض می نمودند با نفس و ناسزا و ضرب و شتم به بیرون حسود می انداختند. دود به این پاسداران آزادی و استقرار حکومت مردم بر مردم! آنچه در اینجا گفتنی است اینست: ستاد انتخاباتی وزارت کشور، انجمن نظارت بر انتخابات و تمامی سازمان های اعلام شده بود به شکایت ها خیلی سریع رسیدگی خواهند کرد، هیچ واکنشی در برابر شکایت های تلفنی و تلفنگرام های بسیار نشان ندادند.

برهمه ای این ادعاها که در خروار است صورتجلسه ها و صورتجلسه زنده موجود است که کمیته و سربازی سرگرم بررسی آنها برای طرح شکایت اصلی است...

نماد و دست دو هزار مورد تقلب در مدت ۱۲ ساعت آیا شما را به تحسین و تمیادد که دست مرزبانان زخمی در آن ملعون و دستیارانش به بهترین شکل پیره برداری کردید؟! بگذریم که تراژدی تلخی است، به عنوان همکار مطبوعاتی، نهایت تأسر و تأسف خود را از رویداد زشت بمباران در بلدان به هیات تحریریه و دیگر دست اندرکاران این روزنامه اعلام می دارم.

و نیز با صدای بلند می گویم که چنین رفتارهای چندش آوری در خود انقلاب پاکو مطهر ما نیست و بی گمان مردم آزاده و مسلمان ما دستهای آلوده به کدردان و جاقوگشان و جفاکاران را بزرگ کوتاه خواهند کرد.

### جبهه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهندس حسین اخوان  
سردبیر: پروانه فروهر  
زیر نظر شورای نویسندگان  
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم  
تلفن ۸۹۸۲۱۷  
چاپ خوشه تلخ ۳۱۸۵۶۶-۵



### نامه سرگشاده

حضور مبارک! جناب آقای مهندس رضا قطبی، مدیریت اسبق سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در زمان رژیم سابق. با عرض سلام و بندگان خاطر عالی را به این نکته جلب می‌کنم که اینجناب برادر جوانی و غفلت، هنگامی که جنابعالی در راس مدیریت سازمان رادیو تلویزیون بودید بجای هرگونه همکاری، همیشه سعی داشتیم کارکنان را از تخلیفات شما و مدیریت‌های دیگر سازمان آگاه نمایم و همانطور که مسیوق هستید موجب شد که آقای شاه بختی فرزند نسیب‌مبار سپید شاه بختی مدیر کل رادیوی وقت طوسی نامه‌ای اینجناب را دوبار امر به اخراج فرمودند و به ساواک اعلام کردند که اینجناب کارکنان رادیو را تحریک می‌نماید و با عرض شرمساری حتی فراموش نگردید که به علت چاپ مطالبی در روزنامه‌ها و انتقاد شدید از دستگاه، اینجناب را به یکی از شهرستانها منتقل نمودید که پس از چندماه و پس از ارسال چند مطلب انتقادی دیگر و همچنین دفاع از حقوق دانشمندان و طبقه‌زحمتکش رادیو تلویزیون استان، جنابعالی به دریافت حق طبقه محروم جامعه به این معنی اعزام نگردیدید و بلافاصله برای رها شدن از سر مزاحمت‌های متعدد، بدستور معاونت محترم خود بنده را به امریکاعزام کردید.

با نهایت تأسف بدلیل غرورجویی و عدم آگاهی به سیاست کشور، همانطور

که مطلع هستید، هنگامی که مشاهده کردم پروژه کشور به عنوان آموزش کارکنان تلویزیون در حال تلف شدن و هدر رفتن در امریکا و از سوی شخص جنابعالی و معاونت محترم سازمان رادیو تلویزیون است و صرف ویسکی‌های مختلف به امریکائی‌های محترم می‌شود بار دیگر کم اطلاعاتی و بی‌تجربگی موجب شد تا با ارسال مقاله به روزنامه‌ها و مجله‌های رژیم گذشته و دوج آنها مردم را نسبت به این تجاوزات آگاه نمایم که حتما مطالعه فرموده بودید. برترتیر چون مدتی از آن هنگام می‌گذشت و شاید گرفتاری‌های مختلفی برای شما پیش آمده باشد! که البته تصور غلطی است و باز هم از روی بی‌تجربگی است - لذا بخاطر آن مقام اسبق می‌آورم که طی تلگرامی از روی خشم اینجناب را به ایران احضار فرمودید و تاکید کردید که پس از بازگشت به ایران بنده را با بورس سازمان به امریکا اعزام می‌فرمایید. بار دیگر از روی جهالت و نادانی نه تنها پذیرفتم بلکه همانطور که در پرونده اینجناب قید شده در حال حاضر موجود است نهایت بی‌ادبی کرده و معاون شما را فردی مفسده‌جو و باده‌گسار عنوان کردم و حتما اینک که در کنار همدیگر مشغول باده‌گساری و خواندن این نامه در امریکا و یا نقطه دیگری در دنیا هستید می‌توانید بی به حقیقت مطلبی که عنوان کرده‌ام بگردید و متوجه شوید که همیشه هم از زمان و عقل و خرد عقب نبوده‌ام. باری، پس از ارسال این نامه بود که خاطر عالی آزرده شد و امر به اخراج توفیق حقوق و اطلاع به دانشگاهی شد که

## تغویر توای چرخ گردون

است و به دیگر سخن هنوز از طیف‌شمار و حرف و تبلیغ بیرون نیامده‌ام. شناسایی شخصی‌رای دهنندگان نسبت به موضوع‌های اعتقادی و سیاسی نامزد‌های ناچیز و بسیار اندک بود و با این همه نقص، دو مرحله‌ای شدن نه تنها دوری را درمان نکرد که هیچ ضمانتی را در بر نداشت که در دور اول نداشته باشد! و بطور کلی دو مرحله‌ای بودن عامل از بی‌رفتاری حق کسی است که در دور اول حد اکثر رای شرکت کنندگان را بدست آورده است. آنچه از مجموع رفتارهای دست‌اندرکاران انتخابات حاصل می‌شود اینست که بر زندگی

دو نظام جمهوری اسلامی ایران قوهی قانون‌گذاری برپایه‌ی رای مستقیم مردم برای انتخاب نماینده در مجلس شورای ملی استوار است. اصل اینست که مردم می‌توانند بگونه‌ی استفاده از حق اجتهادی و سیاسی خود که مبتنی بر سرنوشت خویش و نظارت بر کار دولت می‌باشد، در انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی شرکت مستقیم داشته باشند. این اصل کلی یک حکومت مردمی است.

قاعده و عرف دموکراسی اینست که مردم حق انتخاب دارند و درصدی که در انتخابات شرکت می‌کنند مطرح نیست، آنچه مهم است گزینش نمایندگان برای تدویم کار نهادی مملکتی است و بدیگری سخن اصل، اکثریت نسبی است یعنی هر داوطلب به نسبت افزایش آرای که نسبت به دیگر داوطلبان بدست آورده است، حق تقیم دارد.

اصل در انتخاب از راه رای مستقیم در دموکراسی، نسبی است. و دو مرحله‌ای کردن انتخابات به معنای پایمال کردن حق کسی است که در دور اول یعنی دور مرحله‌ی نسبی بودن آراء حائز حد اکثر رای شرکت کنندگان در انتخابات بوده است.

### وزارت آموزش و پرورش و سایر مقام‌های تصمیم‌گیرنده، که کمترین آشنایی با مسایل تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش نداشته‌وند، از خط نقشه‌های ضد ملی و ضد فرهنگی و تحریک کننده‌ی خود عقب‌نشستند

دوران و مدیران مبارز، جشن‌های کتاب سوزی، عدم مساوات در مدارس، نظام سانسور و تبه‌دید و خشونت و انحصار طلبی و ده‌ها مورد دیگر آرایش نشان دادند و صبر انقلابی پیشه کردند، صرفاً به خاطر آن بود که می‌دانستند جنگلی این برنامه‌ها را دشمنان انقلاب ایران تنظیم می‌کنند تا انقلاب را بدنام و بی‌ابرو کنند و آن را انقلابی ارتجاعی و واپسگرا و ضد فرهنگی نشان بدهند و با چنین حیل‌هایی، جنگها و برخوردهای خشونت‌بار داخلی ایجاب می‌دانند که چه نقشه‌هایی برای بستن همه‌ی مدارس در سر دارد با اتحاد و اتفاق کامل - و به خاطر آنکه نشان بدهند زیر بار حرف زور نمی‌روند - تعطیلی سیزده روزه‌ی نوووزی مدارس را تثبیت می‌کنند. ما در همین جا، به مقامات آموزش و پرورش تلک می‌دهیم که باید، جدا از طرح هر مساله‌ی تازه به امید ایجاد فاجعه و جنجالی دیگر بیریزند و روش ضد انقلابی یک سال گذشته را که تحریک از بی تحریک و خرابکاری از بی خرابکاری بوده است، کنار بگذارند، و براین تصور باطل تکیه نکنند که تا نوبت حساب پس

در نظام جمهوری اسلامی ایران قوهی قانون‌گذاری برپایه‌ی رای مستقیم مردم برای انتخاب نماینده در مجلس شورای ملی استوار است. اصل اینست که مردم می‌توانند بگونه‌ی استفاده از حق اجتهادی و سیاسی خود که مبتنی بر سرنوشت خویش و نظارت بر کار دولت می‌باشد، در انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی شرکت مستقیم داشته باشند. این اصل کلی یک حکومت مردمی است.

قاعده و عرف دموکراسی اینست که مردم حق انتخاب دارند و درصدی که در انتخابات شرکت می‌کنند مطرح نیست، آنچه مهم است گزینش نمایندگان برای تدویم کار نهادی مملکتی است و بدیگری سخن اصل، اکثریت نسبی است یعنی هر داوطلب به نسبت افزایش آرای که نسبت به دیگر داوطلبان بدست آورده است، حق تقیم دارد.

اصل در انتخاب از راه رای مستقیم در دموکراسی، نسبی است. و دو مرحله‌ای کردن انتخابات به معنای پایمال کردن حق کسی است که در دور اول یعنی دور مرحله‌ی نسبی بودن آراء حائز حد اکثر رای شرکت کنندگان در انتخابات بوده است.

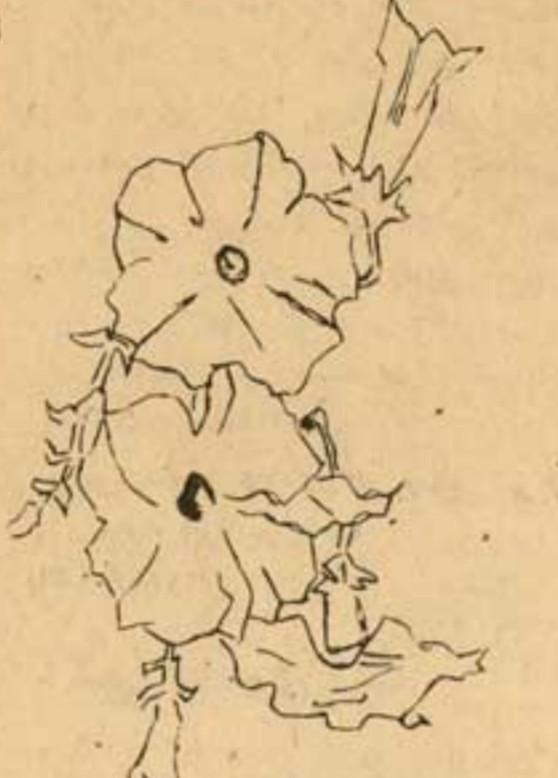
نقص انتخابات به نبود سنت‌های دموکراسی در اثر تمام طولانی اختناق و خودکامگی ارتباط دارد، رژیم پارلمانی سنت‌های ویژه خود را داراست. مردم در اثر تمرین و ورزش طولانی، در کار شرکت در نهادهای دموکراتیک از راه رای و عمل حزب‌ها و مبارزه و فعالیت‌های تبلیغاتی و توفیقی به‌صورت رای دهنندگان ثابت حزب‌های سیاسی یا گروه هواداران آنها در می‌آیند.

و از سوی دیگر سازمان اداری و سیاسی کشور در شیوه و شکل رای‌گیری و جریان انتخابات و خواندن آراء به هیچوجه در نظام‌های چند حزبی، زیر نفوذ یک حزب و یا شخصیت سیاسی و یا گروه حاکم نیستند. نه متعلق سوازی می‌شود و نه سیاست خاصی برای موفقیت گروهی اعمال می‌گردد.

ریشه‌دار شدن سنت‌های دموکراسی و گسترش آگاهی‌های عمومی امید است برای آینده بهتر، اما ما تاکنون فاقد این سنت‌ها بوده‌ایم. و تایش آفتاب زندگی - بخش آزادی را جز در دوران کوتاه و اختناق آمیز مصلحت، بر سلول‌های خستنی جان‌هایمان احساس نگردیدیم، اندک شمار حزب‌های ما که دارای سابقه‌ی فعالیت سیاسی و عقیدتی هستند به دلیل اختناق «نظام اداری» هنوز شناخته شده نیستند. تجربه‌ی سیاسی و عملی و عینی افراد سیاسی و گروه‌ها و حزب‌ها، در خط مشی‌هایی که باید از اساس تابع اصول قانون اساسی و ضابطه‌های آن باشد، هنوز به مرحله‌ی آزمایش نرسیده

متأسفانه بدلیل مختلف با آنکه در چند نطقه از مناطق مورد خدمت با شخص شاه سابق، دختر عمه جنابعالی - فرح سابق - و هویدی معلوم - دشمن سابق شما - روبرو بودم و باز هم برادر جوانی و غفلت دست حضرات را نه تنها نبوسیدم بلکه بعزت ناراحتی درد گردن! نتوانستم در حضور آن مقامها گردن خم کنم، که عکسپای آن موجود باشد و موجب ترفی، خواهرش می‌گفت شخص شما که همیشه حافظ طبقات اشراف جامعه بوده‌اید این بار بنده نوزی فرماید و مراسم ملوگانه را شامل حال اینجناب نیز فرماید.

### نوروز می‌رسد



من از زبان برك، من از زبان جاری سبز درختها، پرواز ابر نجوای چشمه‌سار من از زبان رویش نرگس به‌دشتها من از نگاه شقایق من از نوای دلکش سبزی‌فروش‌شهر من از ترانه‌ی فیروز سرخ پوش پرواز چلچله، رقص شکوفه‌ها از هفت سین از برك سبز بید می‌خوانم این پیام نوروز می‌رسد با کوله‌بار عشق از کومه‌های دور کلریز و کل‌قشان می‌خوانم این ترانه و فریاد می‌زنم آزادی، ای عزیزترین عشق آزادی، ای شریف‌ترین چیز بر لاله‌زار همیشه، ایران در اهتزاز باش

### فرار مغزها

بقیه از صفحه اول صنعتی مهاجرت می‌کنند، کشور های پیشرفته صنعتی بملون اینکه سرمایه‌های برای تربیت افراد خود برای بوجود آوردن افراد متخصص صرف کنند، سراسری از کشور های زیر سلطه‌ی فرهنگی خود، افرادی را که احتیاجات آنها را با حقوق بسیار کم برآورده می‌کنند وارد می‌نمایند، و از وجود آنها حد اکثر استفاده را برای نفع بی پایانی خود می‌برند.

می‌توان علل این مهاجرت را به این صورت طبقه بندی کرد. اولین علت را باید نظام آموزشی این کشورها دانست، در بیشتر کشور های در حال رشد این نظام آموزشی به تقلید از انگلیز آموزشی کشور های صنعتی بوجود آمده است. نه تنها کشور های که جزو مستعمرات سابق اروپایی ها بودند، عینا به تقلید از کشور های استعماری پرداخته‌اند، بلکه بیشتر کشور های دیگر جهان سوم نیز به این تقلید گراییدند. اینان این تقلید محض را یکی از نشانه‌های استعماری می‌دانند، و علمی و اجتماعی کشور خود پنداشتند، حال آنکه خود کشور های اروپایی متوجه ناسازگاری نظام آموزشی و قدیمی‌شان با اوضاع و احوال آموزشی شده‌اند!

علت دیگر بی محتوا بودن واقعی مدارک های تحصیلی است. چون معلوماتی که فرا گرفته می‌شود ارتباطی با نیازمندی های واقعی زندگی مردم ندارد، تحصیلات موجب جدائی و فاصله میان افراد تحصیل کرده و دیگر افراد مملکت شده و چه بسا افراد تحصیل کرده که محیط زندگی اجزائی خود را متناسب با امثال و آرزو های رنگینی که زندگی طولانی در سرزمین های بیگانه در ذهن آنها پدید آورد، نمی‌یابند. کشور های سوسیالیست با پدید آوردن محدودیت های فراوان از فرار مغز ها جلوگیری بعمل می‌آورند ولی جهان سوم تاکنون نتوانسته است از این فرار جلوگیری

مشغول تحصیل بودم. پس از ذکر مقدمه، ضمن اظهار تشکر از خطاهای گذشته، چون در پرونده اینجناب هیچگونه تسویه حسابی و نشان عیابونی وجود ندارد، مدتی است که بیکار هستم و سازمان رادیو تلویزیون پس از انقلاب نیازی به خدمت اینجناب نمی‌بیند که دهسال تجربه آموخته بودم. اینک از آن مقام مدیریت عامل سازمان رادیو تلویزیون اسبق استعفا داد امر فرمایند حداقل چند تسویه‌نامه در پرونده اینجناب از سوی جنابعالی و معاونان دیگر قرار گیرد و در صورت امکان جنابعالی از شوهر دختر عمه خود تقاضای یک نشان تاج یا همایون بنمایند تا بلکه با داشتن آنها بتوانم پس از انقلاب در راس یکی از مقامهای مختلف مملکتی نظیر مدیریت‌های شرکتی نفتی یا پست وزارت‌های مشاور و یا شغلی در این ردیف قرار بگیرم و یا حداقل به ایشان پیشنهاد نمایم که نشان جشنی‌های دوهزار و پانصد ساله به اینجناب بدهند که بتوانم از مزایای آن در گرفتن امتیاز یک روزنامه استفاده کرده و از وزارت ارشاد ملی موفق بدریافت امتیاز انتشار روزنامه گردم.

در خانه ضمن اظهار ندامت و پشیمانی در صورتی که آن مقام موافقت فرمایند این نامه را در حکم استغفانه‌ام، توبه‌نامه و ندامت‌نامه به حضور شوهر دختر عمه خود برده و از ایشان طلب عفو فرمایند شاید که بدین لحاظ بتوانم حداقل کاندید نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره انقلاب گردم و یا با وعظ در نقاط دیگر انموخته‌ای فراهم آورم، البته و

### نکته‌هایی از دیروز و امروز

شمشیر روح آقای ریچارد نیکسون، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده امریکا، به نازکی کتابی نوشته و آنرا «نبرد واقعی» نام داده است. آقای رئیس جمهور مدعی است که داوری‌هایش در این کتاب «کامل عینی» است ولی معتقد است که «این داوری‌های کامل عینی» متکوسمی بسیار برخواید انگیزت، زیرا به نظر ایشان «تحلیل حوادث تاریخی همیشه منشاء گفتگو بوده است» آقای نیکسون اضافه فرموده‌اند «چون به هنگام نوشتن کتاب در جستجوی مقام سیاسی نبوده‌ام نتوانستم داوری‌های کمال عینی ارائه کنم، ولی یقین دارم که باز هم این داوری‌ها گفتگوهای بسیار برخواید انگیزت، در کتاب ایشان آمده است که «جنگ جهانی سوم» پیش از پایان یافتن جنگ جهانی دوم، آغاز خواهد شد و هم‌اینک جنگ سوم جهانی در جریان شروع شدن است.» کتاب حاوی تحلیل‌ها و نظرات ایشان درباره تاریخ معاصر، معاصر، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، اوضاع چین، جنگ ویتنام، وموقعیت خاورمیانه است. عنوان فصل اول کتاب ایشان «برنگ نباید کرد» و عنوان فصل آخر «شمشیر روح» است. عنوان فصل آخر ایشان اقتباسی است از جمله معروف ناپلئون که گفته است «شمشیر، اصلی‌ترین سپر روح آدمی است». آقای نیکسون که بارانی از آتش برسر مردم ویتنام فرو بارید و سرانجام راهی نماند. جز آنکه آقای کیسینجر را «قهرمان صلح» بسازد تا چهره در پای مردم ویتنام بداند و طلب بخشایش کند اینک هوای شمشیر کشیدن به‌سرش زده است. آقای نیکسون، یکی از دوستان شمشیرکش شما در هیسان نزدیکی‌ها، در جزیره کونتاورا بسر می‌برد، بدنیست احوالی از او بی‌رسید تا از عواقب شمشیر زدن باخبر شوید. آقای نیکسون یادتان نمی‌آید که جوانان آمریکایی اوراق احضار خدمت وظیفه در ارتش شما را پاره می‌کردند و خود را به‌زندان معرفی می‌کردند. آقای نیکسون شمشیر دیگری هم وجود دارد.

این ناله شیگه‌ها، برنده چون شمشیرها هم بشکنند زنجیرها، هم بگسلد اغلاها

### لهستان فقیر تر از گذشته

درآمد ملی لهستان دو درصد کاهش یافت. تولید کشاورزی ۵ میلیون تن از هدف پیش‌بینی شده کمتر است و تولید صنعتی به ۱۸ درصد افزایش پیش‌بینی شده فقط توانسته است ۲۸ درصد فزونی به دست آورد، تراژ بازرگانی خارجی ۱۳ میلیارد دلار کسری دارد. افزایش مزد واقعی کارگران برای پنج سال آینده در حدود ۱۱ تا ۱۹ درصد پیش‌بینی شده است. آنگاه به شرط افزایش قدرت تولید و گسترش انقباض کار، این رقم برای سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ برابر با ۷۵ درصد پیش‌بینی شده بود، آن روزها خوب خوش می‌دیدند. سرمایه‌گذاری از ۲۶ درصد درآمد ناخالص ملی در ۱۹۷۸ برای پنجسال آینده به ۲۰ درصد تنزل یافته است. میزان بدهی کشور از ۱۹ میلیارد دلار تجاوز کرده است و امکان پرداخت اصل و بهره آنها نیست، مگر از راه وام‌گیری دوباره. بازاریسایه بیدار می‌کند. و روزنامه‌ها پرازشکایت مردم از وضع توزیع خواروار است. عمده‌ای سودجوی سودهای کلان برده‌اند و توده مردم رنج بسیار.

### رسواییهای رهبران امریکا

حدود یکماه پیش پسر بیست ساله آقای کندی را به جرم خرید و فروش و استعمال هروئین به دادگاه کشیدند ولی حضرات سرسیدند و قضیه را ماست مائی کردند و مشغول سخنرانی درباره ایران شدند. اینک استیو فورد فرزند آقای جرالده فورد رئیس جمهوری سابق امریکا را به‌راندگاه کشیدند. زیرا ایشان از قبول طفل جدید اولادای به‌عنوان فرزند خود سرباز می‌زنند و مادر طفل با ارائه دلایل و شواهد متعدد اصرار می‌ورزد که طفل مربوط به استیو فورد است ولی والاگر جناب استیو فورد اظهار فرموده‌اند «ممکن است طفل ازمن باشد یا از دیگری ولی اگر آزمایش‌های طبی قطعا ثابت کند که او فرزند من است حرفی نخواهم داشت.» رئیس جمهوری هم بدون هیچ شرم و نجاتی چنین درفشانی فرموده‌اند که اگر ثابت شود که او نوه ما است، از او نگاهداری خواهیم کرد. و برای روشن شدن قطعی موضوع عمده‌ای پزشکی و زیست‌شناس مشغول رسیدگی هستند.

این آقای جرالده فورد همان کسی است که وقتی طاعون از ایران گریخت، برای دیدار و تسلاوی وی به مصر رفت...

کند همچس باهمچس پرواز.

ای آفریدگار پاک تورا پرستش میکنم واژ تو یاری میجویم

### اطلاعیه

هم‌میهنان: هم‌رمز داریوش فروهر در اعتراض به چگونگی برگزاری انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی، باامداد امروز طی نامه‌ای که به پیشگاه رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران - امام خمینی - نوشتند از بست وزارت مشاورانستغفاء دادند و رونوشت آنرا نیز برای رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران فرستادند.

شامگاه شنبه بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۵۸

دبیرخانه حزب ملت ایران

ای آفریدگار پاک تورا پرستش میکنم واژ تو یاری میجویم

هم‌زمان

برنامه آئین‌های ویژه نوووزی سازمان شهرستان تهران.

۱- روز یکم فروردین ۱۳۵۹ دیدار نوووزی هم‌زمان با دبیر حزب و با یکدیگر روز جمعه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در قالیار سخنرانی حزب.

۲- دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ جشن روز جمهوری اسلامی از ساعت ۱۸ در قالیار سخنرانی حزب.

۳- سه‌شنبه ۱۳ فروردین برنامه ویژه سیزده بدر خانوادگی.

دبیرخانه سازمان شهرستان تهران ۵۸۱۲۲۳۶

لا يزال سازندگی آنها در جهت پیشبرد هدفهای انسانی انقلاب مدگرد و نیز آنها را که با اشتیاق به ایران آمدند و دبیران بیکاری و طرح درخشان دولت مسوقت! یعنی عدم استخدام کامند جدید روبرو شدند و نوید در گوشه‌های کز کرده‌اند و روزگار به سختی می‌گذراند، هر چه زودتر در جایگاه های اصلی تصمیم‌شان قرار دهند تا ایران سامان از هم‌پانیدمی ها سامان یابد و رکن های مملکت بکبار مانده‌اند به میهن فراخواند و از نیروی افتند. چنین باد...